

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال نوزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲ Scopus

صص ۲۷۳ - ۲۹۸

منابع متقابل نگرانی ایران و عربستان سعودی؛ چرایی و چگونگی^۱

علیرضا محمدی نیگجه - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

دکتر حسین دهشیار* - دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دکتر نوذر شفیعی - دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

DOR:20.1001.1.17354331.1402.19.71.10.5

چکیده

روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی همواره دچار تنش و نوسان بوده و چند مورد قطع روابط دیپلماتیک را تجربه کرده است. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌شود به همین منظور از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و پایان‌نامه‌ها کمک گرفته شده و برای تبیین آن از روش رئالیسم تهاجمی استفاده شده است. سؤال اصلی این مقاله: دلایل نگرانی بین دو کشور ایران و عربستان سعودی از یکدیگر چیست؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مورد آزمون قرار می‌گیرد این است که تضادهای هویتی، سیاسی - امنیتی و رقابت منطقه‌ای از منابع متقابل نگرانی دو طرف است که آنها را به سوی پیشبرد سیاست خارجی تهاجمی، رقابتی و در مواردی خصومت‌گرا سوق داده است و عامل اصلی این تنش‌ها، تضادهای داخلی و رقابت منطقه‌ای است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ایران و عربستان به خاطر ترس مداوم از فعالیت‌های مخرب یکدیگر و همچنین کاهش نفوذ و قدرت طرف مقابل در خاورمیانه، از تضادهای بین خود جهت پیشبرد سیاست خارجی استفاده می‌کنند که این عامل ایجاد تنش و نگرانی بین دو کشور است.

واژه‌های کلیدی: عربستان سعودی، ایران، سیاست خارجی، رقابت منطقه‌ای، افراطی‌گرایی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهش حاضر برگرفته از رساله دکتری با موضوع "رقابت منطقه ایران و عربستان و تأثیر آن بر گسترش افراط‌گرایی" در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است.

E-mail: h_daheshiar@yahoo.com

*نویسنده عهده‌دار مکاتبات

۱. مقدمه

خاورمیانه یکی از مناطق کلیدی ژئوپلیتیکی است که همیشه در خط مقدم رقابت‌های سیاسی، درگیری‌های منطقه‌ای و چالش‌ها بی‌پایان بوده (Afzali, 2020: 235) و دلیل آن هم داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، منابع غنی انرژی و تنوع قومی و مذهبی بوده است (Barzegar and et al, 2019: 129). جمهوری اسلامی ایران و عربستان به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه مطرح هستند؛ حتی در دوره پیش از انقلاب اسلامی در ایران نیز ایالات متحده سیاست‌های امنیتی خود در خاورمیانه را بر پایه توانایی و سیاست‌های این دو کشور بنا نهاد. با این حال، تضاد رویکردهای سیاسی، منافع متفاوت، اتحادها و تعهدها و دیدگاه‌های متعارض به مسائل بین‌المللی، این دو کشور را از همان سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بیشتر دوره‌ها به‌عنوان دو رقیب رو در روی یکدیگر قرار داد. رقابت دو کشور ایران و عربستان سعودی از دهه ۱۹۵۰ شروع شد (Noormohammadi and Seifi, 2020: 163) اما خلاء قدرت بوجود آمده در خاورمیانه در دهه گذشته باعث تشدید رقابت بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عربستان سعودی شده است. تاکنون نزدیک به ۱۰ سال است تنش‌ها بین ایران و عربستان روند افزایشی داشته و در ۶ سال اخیر نیز بسیار تشدید شده که به قطع روابط دیپلماتیک منجر شد. با توجه به مجموع شرایط و ژئوپلیتیک منطقه و جایگاه دو کشور و تحولات بین‌المللی پیش‌بینی می‌شود ایران و عربستان اگر به یک صلح گرم هم نرسند حداقل از این وضعیت جنگ سرد عبور خواهند کرد. این دو کشور بر اساس منطق سیاست خارجی خود گروه‌هایی را ایجاد و از آنها حمایت می‌کنند. تنش‌های شیعه و سنی و اختلافات ایدئولوژیک عوامل مهمی در روابط سعودی و ایرانی هستند که چشم‌انداز سیاست این دو کشور و رفتار آنها در خاورمیانه را شکل می‌دهند. برای هر دو کشور، ایدئولوژی و مذهب ابزارهایی هستند که رژیم‌های تهران و ریاض می‌توانند با تأکید و یا برجسته کردن آنها، اختلافات را به حداقل یا حداکثر برسانند. ایران به همراه مخالفت خود از غرب در مورد موضوع هسته‌ای درخواستی دارد که در بعضی مواقع فراتر از اختلافات فرقه‌ای است. این درخواست انتقاد غیرمستقیم از آل‌سعود است سپری که در مقابل فشار و تهدید ایالات متحده استفاده می‌شود. حاکمان ریاض نیز با فشارهای ضدشیعه از سوی

نهاد روحانیت سلفی خود رو برو شده‌اند، اما آنها نیز آگاهانه از این لفاظی برای خنثی کردن درخواست‌های پوپولیستی و ضد وضعیت موجود علیه ایران استفاده می‌کنند. عواقب این استراتژی فرقه‌ای به وضوح در میان جمعیت شیعه این پادشاهی عربستان سعودی مشاهده می‌شود. حمایت عربستان از گروه‌های سلفی جهادی و تکفیری فعال در سوریه، عراق و ... تهدیدی برای سایر کشورهای منطقه است. درحقیقت عربستان سعودی به دلایل متعددی نظیر: موقعیت جغرافیایی، وجود دو شهر مقدس مکه و مدینه، در اختیار داشتن منابع غنی نفت و همچنین وجود پایگاه اجتماعی در بین شهروندان سعودی، برای گروه‌های سلفی جهادی به عنوان سرزمین موعود برای احیای خلافت اسلامی به شمار می‌رود و این گروه‌ها نیز ابزاری در خدمت حکومت سعودی برای پیشبرد اهداف سیاسی هستند. دو کشور دارای تنش‌های ساختاری هستند. هر کدام آرزوی رهبری جهان اسلام و همچنین هژمونی منطقه‌ای را دارند. ایران، عربستان را نایب ایالات متحده در منطقه می‌داند که او را محاصره و از دسترسی به حقوق خود منع کرده است. از جمله منابع نگرانی عربستان درباره ایران می‌توان به قدرت نامتقارن ایران و کسب منافع منطقه‌ای و هسته‌ای بویژه حضور پر رنگ در عراق، رقیب منافع خود در سوریه و یمن (درگیری مستقیم با حوثی‌ها)، نفوذ در لبنان و فلسطین اشاره کرد. در واقع عربستان سعودی در رابطه با فعالیت‌های ایران نگران است چراکه ایران ابزار و توانایی به چالش کشیدن عربستان در مقابل رقیبان داخلی و خارجی را دارد. مسائل پیچیده مربوط به جنگ یمن یکی از مهم‌ترین عوامل اختلافی میان دو کشور به حساب می‌آید. این مسئله با توجه به ارتباط عربستان با غرب و مهم‌تر موضع حمایت‌گرانه ایران از محور مقاومت و مشخصاً حزب‌الله باعث شده است جلوی پیگیری دیدارها و جدی گرفتن آنها گرفته شود. حزب‌الله برای عربستان مانعی اصلی این کشور در لبنان و حامی حوثی‌ها در جنگشان علیه عربستان به حساب می‌آید. خلاصه اینکه بی‌تردید از سرگیری روابط ایران - عربستان از نظر ایجاد آرامش و حل و فصل اختلافات، عنوان اصلی خاورمیانه خواهد بود. اخیراً این مسائل در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص هر دو کشور قابل بررسی است. در واقع، می‌توان گفت برخی ابعاد شرایط در سطوح مطرح شده برای تهران و ریاض به‌گونه‌ای تغییر کرده که دیدگاه دو کشور را به مناسبات دوجانبه تغییر داده و همانند

انگیزه‌ای برای آغاز روند تنش‌زدایی بین آنها عمل کرده است. با توجه به موقعیت ایران و خاورمیانه و خلیج فارس در مناسبات ژئواستراتژیک بین‌المللی و منطقه‌ای، مناسبات تهران و ریاض را می‌توان براساس رقابت‌ها برای منابع منطقه‌ای بهتر توضیح داد. بر همین اساس در مقاله حاضر تلاش شده با استفاده از تئوری رئالیسم تهاجمی و گزاره‌های آن، منابع متقابل نگرانی ایران و عربستان سعودی؛ چرایی و چگونگی آن مورد بررسی و موشکافی قرار گیرد. بنابراین پرسشی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که: دلایل نگرانی بین دو کشور ایران و عربستان سعودی از یکدیگر چیست؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح است که تضادهای هویتی، سیاسی-امنیتی و رقابت منطقه‌ای از منابع متقابل نگرانی دو طرف است که آنها را به سوی پیشبرد سیاست خارجی تهاجمی، رقابتی و در مواردی خصومت‌گرا سوق داده است.

۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است و روش گردآوری اطاعات کتابخانه‌ای - اسنادی است. در بخش گردآوری از منابع کتابخانه‌ای کتب، مقالات، نشریه‌ها و غیره در هر دو بخش داخلی و خارجی استفاده شده است و همچنین جهت گردآوری داده‌های جدید در ارتباط با روابط ایران و عربستان به سایت‌های معتبر که حاوی اسناد و مطالعات درباره تضاد و تنش دو کشور بود، مراجعه شده است. از آنجا که داده‌های مربوطه فراوان و گسترده بود، مطالعاتی که متغیرهای تحقیق را مورد ارزیابی قرار می‌داد مورد استفاده قرار گرفت.

۳. مباحث نظری

یکی از تحولات تئوری‌های واقع‌گرایانه، ظهور رئالیسم تهاجمی است. در واقع اصطلاح "رئالیسم تهاجمی" را اولین بار جک اسنایدر در کتاب "افسانه‌های امپراتوری: سیاست داخلی و جاه‌طلبی بین‌المللی" به کار برد (Snyder, 1991: 11-12) اما با کتاب "تراژدی سیاست‌های قدرت‌های بزرگ" جان مرشایمر بصورت جدی وارد عرصه‌ی تئوریک روابط بین‌الملل شد که تحولی درونی در نظریه‌ی رئالیسم بود. برداشتی امنیتی و توسعه داده شده از نظریه‌ی رئالیسم ساختاری والتز.

نظریه رئالیسم تهاجمی، برخلاف رئالیسم کلاسیک مهمترین مسأله را برای دولت‌ها امنیت‌سازی می‌داند و نگاه متفاوتی به علل و ریشه‌های پویش‌های رفتاری بازیگران در نظام آنارشیک بین‌الملل دارد. از مهمترین نظریه‌پردازان این نظریه می‌توان از جان مرشایمر، رابرت جرویس، جک اسنایدر و فرید زکریا نام برد (Mearsheimer, 2009: 266). مرشایمر در تبیین مفهوم قدرت‌های بزرگ بر مؤلفه‌ی چون توانایی‌های نظامی تأکید کرده است. به اعتقاد او سیاست‌های بین‌المللی قدرت‌های بزرگ به طور بنیادین بر مبنای توانایی‌های نظامی اشان تعیین می‌شوند. او بر این باور است که رئالیست‌های تهاجمی خوش بینی‌های غالب درباره روابط بین قدرت‌های بزرگ را به چالش می‌کشد و ضمن تأکید بر رفتار قدرت‌های بزرگ، این نکته را مد نظر دارند که قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل به دنبال فرصت‌هایی هستند تا قدرت خود را در برابر دیگر رقبای خود فزونی بخشند (Mearsheimer, 2013: 27). براین اساس آنارشی دولت‌ها را مجبور می‌کند تا قدرت یا نفوذ خود را به حداکثر برسانند، چرا که از نظر آنان، بین الزامات سیستمی و تعقیب سیاست خارجی حقیقی دولت‌ها، ارتباط نسبتاً مستقیمی وجود دارد. در یک محیط آنارشیک «الزامات رقابتی سیستم بین‌المللی» دولت‌ها را هدایت می‌کند. اگر یک دولت برای به حداکثر رساندن نفوذ خود تلاش نکند، دولت‌های دیگر در فرصتی مناسب، چنین سهمی از نفوذ را از آن خود خواهند کرد (Mottaghi, 2015: 11) آن‌ها درصدد افزایش حداکثری امنیت خود هستند و آنارشی بین‌المللی حائز اهمیت زیادی است. لذا تلاش دولت‌ها برای کسب امنیت ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود و چون کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است، نتیجه محتوم این چنین بازی، تضاد و کشمکش است (Moshirzadeh, 2010: 181).

واقع‌گرایی تهاجمی، نوع رقابتی‌تر واقع‌گرایی ساختاری است. جان مرشایمر معتقد است دولت‌ها علاوه بر اینکه نسبت به اهداف سایر دولت‌ها اطمینان خاطر ندارند، می‌بایست بدبینانه‌ترین حالت ممکن نسبت به اهداف آنها را نیز در نظر گیرند، در نتیجه دولت‌ها تنها بر توانمندی سایر دولت‌ها متمرکز می‌شوند. بر اساس مفروض‌های نظریه واقع‌گرایی تهاجمی: هرج و مرج منطقه‌ای، عدم اطمینان در مورد نیت‌ها و مقاصد بازیگر رقیب، برآورد مثبت از

توانمندی‌های تهاجمی خود (در حوزه های سیاسی، اقتصادی و نظامی)، باعث می‌شود دو کشور رویکرد تهاجمی نسبت به یکدیگر اتخاذ کنند.

وضعیت نظام بین‌الملل هرج و مرج گونه است و هدف کشورها در این وضعیت رسیدن به جایگاه قدرت برتر (هژمون) در نظام بین‌الملل است؛ اما از آنجا که همواره موانع و مشکلات متعددی برای نائل شدن به این امر وجود دارد، بهترین شرایط برای کشورها دستیابی به سیطره منطقه‌ای است (Keshavarz, 2014:45).

در صورتی که نظام سیاسی کشوری دارای ایدئولوژی تند، متعصبانه و تهاجمی باشد، می‌توان آن دولت را تهاجمی دانست و غالباً تحصیل امنیت توسط چنین دولت‌هایی، بی‌اعتمادی همسایگان را برخواهد انگیزد. در اینجا نشانه پرهزینه، میانه‌روی ایدئولوژیک است که جدیت نظام سیاسی را در تغییر راهکار تهاجمی نشان می‌دهد.

تفکرات امنیتی واقع‌گرایان بر پنج فرض اساسی پایه‌گذاری شده و این موضوع‌ها در واقع مبنا و پایه رویکردهای امنیتی و حفظ منافع آنها را تشکیل می‌دهد؛ فرض اول بر هرج و مرج گونه بودن نظام بین‌الملل تاکید دارد؛ فرض دوم اینکه واقع‌گرایان جست‌وجوی امنیت را در سایت کسب قدرت دانسته و در واقع معتقدند برای دستیابی به امنیت باید قدرت را آن چنان افزود تا تهدیدهای متقابل قادر به ایجاد ناامنی نگردند. به عبارت دیگر، از دیدگاه واقع‌گرایان چرایی و چگونگی حفظ امنیت و تقابل بر سر حفظ آن به عنوان یکی از مشتقات قدرت تلقی می‌شود و برای کسب موقعیت مسلط برای بازیگر بین‌الملل، کسب قدرت کافی است و در این صورت است که به امنی دست خواهد یافت (Rabiei, 2014:67). فرض سوم اینکه کشورها هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که کشورهای دیگر، برای استفاده از توانمندی نظامی، مقاصد تهاجمی ندارند؛ فرض چهارم این است که اساسی‌ترین انگیزه‌ای که دولت‌ها را به حرکت در می‌آورد، انگیزه بقاست. کشورها می‌خواهند حاکمیت خود را حفظ کنند؛ پنجمین فرض می‌گوید که کشورها در مورد چگونگی بقا در نظام بین‌الملل، راهبردی فکر می‌کنند (AbdallKhani, 2017: 63). در دیدگاه واقع‌گرایی، هرکدام از کشورها در نظام بین‌الملل، مسئول حفظ بقای خود می‌باشند و برای دستیابی به امنیت ملی مطلوب و حفظ منابع خود ضرورتاً بایستی به تلاش برای

کسب قدرت در جهت کسب موقعیت برتر دست بزنند؛ در این صورت است که می‌توان به استراتژی‌های رفع نگرانی‌ها امیدوار بود. طرفداران نظریه رئالیسم تهاجمی معتقد هستند که وجود هرج و مرج در یک منطقه، دولت‌ها را وادار می‌کند تا قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند، زیرا امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هیچ‌گاه قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند قدرت خود را به حداکثر برسانند.

از دیدگاه والتس چند خصوصیت در نظام بین‌الملل وجود دارد که باعث می‌شود دولت‌ها از هم بترسند: ۱. فقدان یک اقتدار مرکزی که برفراز دولت‌ها قرار گرفته باشد و بتواند از آنها در مقابل یکدیگر محافظت کند؛ ۲. این واقعیت که هیچ دولتی نمی‌تواند از مقاصد و نیت‌های دیگر دولت‌ها مطمئن بوده، به آنها اعتماد کند. با مفروض گرفتن این ترس دولت‌ها به این تشخیص می‌رسند که قدرت بیشتر نسبت به رقیبشان به معنای شانس بیشتر برای بقاست. در واقع بهترین تضمین برای بقا این است که یک سیطره (جو(هژمون) باشی، زیرا در این صورت هیچ دولتی نمی‌تواند به شکل جدی چنین دولتی را تهدید کند (Waltz, 1990: 22). در وضعیت هرج و مرج که ناامنی دائمی را به دنبال دارد، مهم‌ترین راه برای رسیدن به امنیت بیشتر، افزایش قدرت و مقهور کردن دیگر دولت‌هایی می‌باشد که ممکن است تهدیدی برای آنها باشند. از این رو قدرت‌ها تا آنجا که بتوانند برای غلبه و استیلای بر دیگران اقدام خواهد کرد (Brzezinski and Mearsheimer, 2005: 50). این مهم‌ترین و اصلی‌ترین تاثیر نظام هرج و مرج گونه بین‌الملل بر رفتار و شیوه دولت‌ها و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ است. آنها بیش از هرچیز به دنبال امنیت و تاجایی که امکان دارد امنیت مطلق هستند و بها ین منظور در پی دست یافتن به سیطره منطقه‌ای و سپس در صورت امکان به سیطره جهانی هستند. این وضعیت در نظام بین‌الملل الگوی رفتاری خاصی را برای کشورها، از جمله ایران و عربستان سعودی اجتناب ناپذیر کرده است. هرج و مرج باعث بی‌اعتمادی و سوءظن بین دو کشور نسبت به یکدیگر شده است. آنها همواره از خطر حمله و تجاوز دیگری در ترس و هراس هستند. این نگرانی و احساس ترس ناشی از این واقعیت است که در جهانی که کشورها قادرند به کشور دیگر حمله کنند، هر کشوری حق دارد برای حفظ موجودیت خود نسبت به دیگران بی‌اعتماد باشد (Dehghanifiroozabadi and

(farazi,2013:36) رخداد‌های سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی: نظیر تلاش برای تسخیر مسجد بزرگ مکه، که دولت عربستان آن را اقدامی الهام گرفته از انقلاب اسلامی ایران می‌دانست، ناآرامی‌های مناطق شیعه‌نشین عربستان تظاهرات شیعیان بحرین در آوریل ۱۹۸۰، ترور طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر عراق و ... همه از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس مستقیم یا غیرمستقیم به ایران نسبت داده شدند که ایران جهت افزایش «قدرت» منطقه‌ای خود، این اقدامات را انجام می‌دهد (Akhavankazemi,1993:30). تلاش ایران جهت افزایش توان نظامی خود از طریق ساخت یا خرید تجهیزات نظامی پیشرفته و پیگیری برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای، افزایش قدرت منطقه‌ای است و این اقدام واکنشی به اقدامات کشورهای حاشیه خلیج فارس در حمایت از ادامه حضور دولت هژمون در منطقه (ایالات متحده) در قالب اعطای مجوز ایجاد پایگاه‌های نظامی؛ افزایش توانمندی نظامی از طریق خریدهای تسلیحاتی سنگین عمدتاً از کشورهای غربی؛ دعوت از سازمان‌های امنیت جمعی نظیر ناتو برای حضور در منطقه در قالب «ابتکار همکاری استانبول» و با اولویت مبارزه با تروریسم و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی، متوازن کردن قدرت در سطح منطقه خلیج فارس است.

۴. یافته‌های تحقیق

به منظور درک و تبیین تضادها و تنش‌ها بین دو کشور ایران و عربستان سعودی نیاز است ابتدا به سیاست خارجی دو کشور پرداخته و سپس روابط دو کشور را مورد ارزیابی قرار دهیم چرا که عربستان سعودی در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۵ میلادی، رویکرد سیاست خارجی ستیزجویانه‌ای را در برابر ج.ا.ایران در پیش گرفته است. با اتخاذ این رویکرد تا جایی پیش‌رفته که برخی از صاحب‌نظران احتمال وقوع رویارویی مستقیم میان دو کشور را دور از ذهن نمی‌دانستند. بنابراین با توجه به اینکه زمینه‌های ژئوپلیتیکی اختلاف‌برانگیز و تعمیق وضعیت هرج و مرج گونه منطقه، همزمان با تغییر رویکرد مجموعه حاکمیت سعودی در برابر ج.ا.ایران ظرفیت بالایی برای بحرانی‌شدن به وجود آورده است. از این‌رو تحلیل علمی و واقع‌بینانه زمینه‌های ستیز بین دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار است؛ همچنین تحلیل دلایل اصلی تغییر رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی در برابر ج.ا.ایران از تقابل به ستیزجویی ضروری به

نظر می‌رسند که شروع چنین بحثی نیازمند تشریح سیاست خارجی دو کشور در برابر یکدیگر می‌باشد که هدر ادامه تشریح خواهد شد

۴-۱. بررسی سیاست خارجی و روابط دو کشور ایران و عربستان سعودی

عربستان سعودی و ایران همیشه روابط بدی نداشته‌اند. تا دهه ۱۹۷۰، عربستان سعودی و پادشاهی ایران به عنوان "ستون‌های دوقلوی" نظم منطقه‌ای، عمل کردند. پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و با آغاز یک حکومت دینی شیعه به رهبری آیت‌الله روح‌الله خمینی (ره)، پویایی منطقه رنگ مذهبی بیشتری به خود گرفت. اگرچه این روابط در طول زمان بدتر شده اما در دوره‌هایی همکاری نسبی وجود داشت. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، لفاظی‌های ضدشیعه در خاورمیانه از جمله رشد مدارس بنیادگرای وهابی سعودی و صدور آن ایدئولوژی به مناطقی در منطقه (مثلاً در جنوب آسیا) که جوامع شیعه از قبل وجود نداشت برای منزوی کردن ایران افزایش یافت. از طرف دیگر نفوذ و صدور انقلاب اسلامی در سراسر منطقه در دستور کار ایران قرار گرفته بود. در سال‌های بعد، دو تغییر اساسی منطقه‌ای بر روابط کلی عربستان و ایران تأثیر بسزایی داشت: ۱. جنگ ایالات متحده علیه تروریسم پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱. قیام‌های اعراب در سال ۲۰۱۱. در حالی که اولی عراق را به عنوان یک قدرت بزرگ در خاورمیانه حذف کرد، دومی سوریه و مصر دو جنگجوی تاریخی عرب را بی‌ثبات کرد. حذف این سه قدرت بزرگ منطقه‌ای رقابت بین عربستان سعودی و ایران را تشدید کرد. این رویدادها رقابت را با تأکید بر حمایت از گروه‌های تروریستی نیابتی بازتعریف و چشم‌انداز جدید سیاست خارجی برای هر کشور را ضروری کرد. پس از ۱۱ سپتامبر، این اختلاف رنگ مذهبی بیشتری به خود گرفت و اختلاف چند صدساله بین سنی‌ها و شیعیان را تشدید کرد (Saeed, Ahmad and Alikhani, 2014:104). در سال‌های اخیر با توجه به بهار عربی و سرنگونی حاکمان کشورهای تونس، مصر، لیبی و... آرایش سیاسی جهان عرب بهم ریخت و در سال ۲۰۱۱ منجر به تغییرات ساختاری در سطوح سیاسی و امنیتی در منطقه گردید و باعث شد که برخی کشورها سعی در توسعه منافع خود در سایر کشورهای منطقه شوند و سیاست خارجی خود را در حالت تهاجمی نسبت به رقبای منطقه‌ای تغییر دهند. این وضعیت عربستان را به شدت در موضع واکنش قرار داد.

چرا که حوزه نفوذش بشدت کاهش یافته و خود را در معرض تهدید می‌بیند. آن‌ها ایران را منبع اصلی تهدید به حساب می‌آورند کشوری که از گروه‌های آزادی بخش حمایت می‌کند. به همین علت درصدد کاهش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران برآمد و به اسراییل و ترکیه نزدیک شد، در سوریه طرف افراطی‌ها را گرفت، در یمن جلوی حوثی‌ها که از جانب ایران حمایت می‌شدند ایستاد و تولید نفت خود را در راستای ضربه‌زدن به ایران افزایش داد. عربستان در سه حوزه قدرت و پشتوانه اقتصادی، توانمندی نظامی و توانمندی برای ائتلاف‌سازی در منطقه؛ درصدد مقابله با ایران است. دو کشور در سال‌های اخیر و به ویژه پس از سال ۲۰۱۵ میلادی، رویکرد سیاست خارجی تهاجمی را در برابر یکدیگر در پیش گرفته‌اند (Mahdian and et al, 2017: 177). هر دو کشور به شدت علیه منافع یکدیگر دست به اقدام‌های متفاوت زده و از انواع استراتژی‌ها از جمله جنگ، باج‌گیری، طعمه‌گذاری، آتش‌باری معرکه، موازنه‌سازی، احاله مسئولیت، دنباله‌روی و ساکت‌سازی استفاده می‌کنند.

۱. **سیاست خارجی عربستان سعودی:** عربستان سعودی به عنوان کشوری مهم و استراتژیک در منطقه خاورمیانه، به خصوص منطقه خلیج فارس شناخته می‌شود. جایگاه و تأثیرگذاری این کشور در منظومه کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس و جایگاه این کشور در جهان اسلام و اقتصاد جهانی، به ویژه در تأمین درصد بالایی از انرژی جهان صنعتی قابل تشخیص است (Karami, 2012: 8). بررسی سیاست خارجی عربستان سعودی در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که سیاست خارجی این کشور از اصول و پیوستگی قابل توجهی برخوردار بوده و تغییر پادشاهان، باعث دگرگونی‌های اساسی در جهت‌گیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ریاض نشده است. هر چند تحولات محیط منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث برخی تغییرات در رفتارهای سیاست خارجی سعودی می‌شود، اما اصول و چارچوب‌های پایدار دولت سعودی، فارغ از شخصیت و دیدگاه‌های شخص حاکم، رفتارهای ویژه‌ای را در عرصه سیاست خارجی تحمیل یا تجویز می‌کند.

در واقع نظام سیاسی پادشاهی به عنوان وجه سیاسی دولت اصلی‌ترین منبع داخلی سیاست خارجی عربستان سعودی به حساب می‌آید کارکرد اصلی سیاست خارجی عربستان، تأمین ثبات

و امنیت نظام پادشاهی و ممانعت از تهدید ارزشی - هویتی و فیزیکی نظام پادشاهی است؛ ضمن این که ساختار، ترتیبات، منافع و ارزش‌های نظام پادشاهی اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیر گذار بر سیاست خارجی عربستان محسوب می‌شود (Emam jomeh zadeh and Dorj,2018:8). بطور کلی اهداف سیاست خارجی عربستان شامل: ۱. موازنه قوا ۲. رهبری جهان اسلام ۳. مقابله با نهضت‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها ۴. حفظ حکومت‌های غیرمردمی و غیرمنتخب عرب در خاورمیانه و شمال آفریقا ۵. صدور مذهب وهابی در میان کشورهای منطقه است (Mohammadinigjeh,2017:3). اما با وقوع بهار عربی و مرگ ملک عبدالله و آغاز پادشاهی ملک سلمان و در پیش گرفتن اقدامات تهاجمی نظیر حمله به یمن، سیاست خارجی عربستان سعودی دچار تحول و تغییر شد. پس از مشاهده سرنگونی بن علی (۲۰۱۰-۲۰۱۱ میلادی) در تونس و تسری آن به کشورهای نظیر مصر، لیبی، بحرین و یمن، کشور عربستان چرخشی اساسی در سیاست خارجی خود ایجاد کرد چرا که وقوع این جنبش‌ها گویای پیام روشن و واضح تغییر در عربستان بود. اینگونه بود که عربستان رویکردهای مختلفی در قبال هر یک از این بحران‌ها اتخاذ کرد. سیاست خارجی عربستان به سوی سیاست تهاجمی تغییر مسیر داد (Mohammadinigjeh,2017:3).

۲. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: سیاست خارجی ایران به عواملی چون: درک رهبر ایران از تهدیدات نسبت به کشور، منافع ملی بلندمدت، فعل و انفعالات جناح‌ها و حوزه‌های انتخاباتی گوناگون ایران بستگی دارد. بعضی از کارشناسان معتقدند ایران درصدد تغییر ساختار قدرت در خاورمیانه بوده و بعضی دیگر هم معتقدند سیاست خارجی ایران بیشتر عمل گرا بوده تا ایدئولوژیک. چرا که این سیاست ایران در منطقه تلاشی در راستای حمایت از ایران در مقابل ایالات متحده آمریکا و دیگرانی که سعی در تهاجم یا براندازی و تغییر رژیم ایران را دارند است. (Katzman,2015:7) همچنین سیاست خارجی ایران ترکیبی از مسائل منطقه‌ای و جهانی است. از یک سو در منطقه سیاست‌های تهاجمی را اتخاذ کرده و دنبال کاهش قدرت رقیب منطقه‌ای خود یعنی عربستان سعودی است و از طرف دیگر در مسائل منطقه‌ای دنبال خنثی کردن تهدیدات ایالات متحده (نظامی - اقتصادی) است. سیاست خارجی ایران در راستای خنثی کردن یا کاهش

تحریم‌های بین‌المللی و آمریکا و تأثیر آن عمل می‌کند. ایران از ابزارهای مختلفی برای تعقیب سیاست خارجی خود بهره می‌برد. بعضی از ابزارهای مورد استفاده ایران (مانند حضور در عراق، لبنان، سوریه و اتخاذ سیاست حفظ منافع در کشورهای همسایه و مبارزه با تروریسم و گروه‌های تکفیری در خارج از مرزهای کشور) شبیه ابزارهایی است که ایالات متحده و هم پیمانان سنتی اش در مقابل دیگران به عنوان دیپلماسی استفاده می‌کنند. بطور کلی اهداف سیاست خارجی ایران شامل: ۱. ترویج ارزش‌ها و منافع سیاسی رهبران و گروه‌های اسلامی ۲. صدور اسلام شیعی - انقلابی ۳. نفی سلطه‌پذیری، ظلم‌ستیزی ۴. حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش ۵. مردم‌سالاری دینی و صدور آن به سایر کشورهای اسلامی ۶. مبارزه با افراطی‌گرایی دینی ۷. ترویج فرهنگ دفاع از آرمان فلسطین.

۲-۴. منابع متقابل نگرانی ایران و عربستان سعودی

۱-۲-۴. تضادهای هویتی بین ایران و عربستان

مذهب عنصری مهم در روابط ایران و عربستان است چراکه عربستان سعودی مذهبی وهابی (سلفی) دارد. که هویتش بر اساس آن تعریف شده است. از زمان به قدرت رسیدن وهابی‌ها در عربستان و پیروزی انقلاب اسلامی ایران تضادهای دو طرف مخصوصاً تضادهای ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی افزایش یافته است (Cordesman, 2008: 85). بنیان افکار وهابی‌ها مبارزه با شیعیان است مخصوصاً آنهایی که در ایران هستند. دو کشور از نقش سیاسی اسلام بهره‌برداری می‌کنند. بطور مثال عربستان این اقدامات را بر اساس عصیت عرب، نشانه‌های هویتی متمایز کننده و قبیله‌گرایی منطقه‌ای انجام می‌دهد (Mansori Moghadam, 2014: 91). برای مثال، بعد از انتخابات نوری المالکی در عراق آنها بر اساس شاخص‌های ایدئولوژیک خود تمایلی به پذیرش او و یک حکومت شیعه نداشتند. اصولاً برای عربستان هویت عربی در مقابل مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر ارجحیت دارد، اما با این حال عربستان از گسترش دموکراسی در عراق واهمه دارد و این مساله بر تکه تکه شدن هویت عربی برای آنها اهمیت بیشتری دارد. آنچه بیش از هر چیزی باعث نگرانی عربستان در رابطه با تحولات عراق شده است، گسترش نفوذ ایران در این کشور با تکیه بر گروه‌های شیعی هوادار خود، است و مؤلفه‌های سنی و وهابی و هویت

عربی در درجه بعد قرار دارد که همین عامل باعث رقابت و نگرانی برای طرف ایرانی است. سعودی‌ها از مؤلفه‌ای هویتی در پاسداری از امکان مقدس بهره‌برداری می‌کنند. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای را برای کشورهای خلیج فارس خصوصاً عربستان سعودی افزایش داد. در نتیجه این انقلاب و هویت جدید ایرانی - شیعی انقلاب باعث ایجاد تنش‌های سیاسی و امنیتی بین دو طرف شد. عربستان سعودی شروع به ساماندهی نهادهای مذهبی در کشورهای مختلف در جهت مقابله با مدل مذهبی ایران زد که از جمله آن می‌توان به مدارس مذهبی مورد حمایت عربستان در پاکستان و برای مقابله با شوروی در افغانستان و تهدید منافع ایران در افغانستان اشاره کرد (Alton, 2015:3). آن‌ها نهادهایی ایجاد کردند که ایدئولوژی مذهبی و رویکردهای سیاسی را با یکدیگر پیوند می‌داد. این نهادها و فضای سیاسی - ایدئولوژیک رویکردی آشتی‌ناپذیر در برابر ایدئولوژی انقلاب ایران در پیش گرفت (Mansori Moghadam, 2014:91).

۱. رقابت دو کشور بر سر رهبری جهان اسلام: عربستان و ایران تلاش می‌کنند خود را به عنوان مرکزیت جهان اسلام معرفی کنند و هزینه‌های سنگینی هم در این راه پرداخته‌اند. از بسیاری گروه‌ها، ملت‌ها، جنبش‌های آزادی‌بخش و دولت‌های اسلامی حمایت‌های مالی و فکری کرده‌اند. عربستان سعودی در قالب عناوینی همچون ظهور اسلام در عربستان، مرکزیت اسلام در زمان پیامبر (ص)؛ به عنوان مهد جهان اسلام و همچنین وجود حرمین شریفین خود را قبل از پیروزی انقلاب اسلامی رهبر جهان اسلام معرفی کرده بود. انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران که از طرف رهبری آیت‌الله خمینی (ره) پیروز شد انقلابی بود که تفکرش هدایت مسلمانان جهان اسلام بود و می‌خواست انقلابش را صادر کند در نتیجه باعث نگرانی طرف سعودی شد و این دلیل تنش‌های بسیاری در روابط دو کشور است. عربستان عملاً رقیبی قدرتمند و جدی در مقابل خود احساس کرد (Ginna, Mehelik, 2002).

۲. تضاد ایدئولوژیک و اختلاف در نحوه برداشت از اسلام: اگر بخواهیم نگاهی دقیق به الگوی روابط ایران و عربستان در منطقه غرب آسیا داشته باشیم، باید آن را در قالب جنگ سردی منطقه‌ای بررسی کرد که آثار خوا را در سیاست داخلی کشورهای ضعیف مشخص می‌کند و

باعث تشدید گسل‌های قومی-مذهبی در این کشورها می‌شود. به عبارت دیگر، متاثر از نوع تفسیر دو کشور از اسلام، رقابت‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران و عربستان سعودی خود را به صورت جنگ نیابتی در کشورهایی که دچار گسل مذهبی شیعی-سنی هستند، نشان می‌دهد و بر این مبنا است که می‌بینیم رقابت‌های این دو کشور شکلی مذهبی به خود گرفته است؛ رقابتی که اخیراً نیز شدت گرفته است و در جهان اسلام باعث ایجاد تحول و تضادهایی شده است. به نظر می‌رسد که مجادله بیش از آنکه درباره تفاوت‌های عقیدتی و تعلیماتی باشد، درباره تمایل به قدرت سیاسی و به رسمیت شناخته شدن هست و بحث شیعه به عنوان یکی از دو مذهب اصلی در جهان اسلام، در قالب نظریه‌های مختلف از جمله ژئوپلیتیک اقلیت‌ها قابل طرح است و عربستان سعودی از جمله کشورهایی است که با بهره‌گیری از ابزار دین و مذهب، یعنی اشاعه آیین وهابیت و تضعیف مذهب تشیع در پیشبرد سیاست‌های داخلی و خارجی خود، می‌کوشد تا جایگاه خود را در سطوح فضای ملی و فراملی تحکیم کند (Hunter, 2013:8). همچنین نحوه برداشت از اسلام در مسایلی چون مشروعیت سیاسی، گفتمان قدرت و ... دو کشور کاملاً متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران از تفکرات امام خمینی (ره) در نظریه ولایت فقیه و محمد باقر صدر (نظریه جمهوری اسلامی) بهره می‌برد و بر اساس آن بنا نهاده شده و پادشاهی عربستان سعودی بر اساس اتحاد محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب تشکیل شده است. شیعه و وهابی‌گری در مقابل هم هستند. وهابی‌ها نگرش سلفی دارند و با اندیشه‌های شیعیان در امور چون زیارت قبور یا ارادت به امامان مخالف هستند و آن را شرک می‌پندارند. توسل کردن، طلب از مردگان و توسل به آنها، شفاعت، را کفر دانسته و خون شیعیان را مباح می‌دانند. آن‌ها با تأکید بر سنت پیامبر (ص) تشیع را گونه‌ای بدعت دینی می‌شمارند (Feirahi, 2013:239). دو کشور که بر پایه‌های شیعی- وهابی پایه‌گذاری شده‌اند رقیبان ایدئولوژیک هستند که این موضوع نگرانی‌های امنیتی برای آنها ایجاد کرده است. مسأله مهم دیگر حج است. یکی از عوامل تنش و نگرانی عمده دو کشور برداشت دو طرف نسبت به برائت از مشرکین است. عربستان حج را یک مسأله عبادی می‌داند اما ایران آن را مسأله ای عبادی و سیاسی می‌شمرد و معتقد است دین از سیاست جدا نیست (Farmanian, 2017:191).

۳. **تضاد ناسیونالیسم، قومیت‌گرایی و مذهب:** از عوامل نگرانی دیگر مسأله ناسیونالیسم، مذهب و قومیت‌گرایی است که نگرانی‌های جدی برای دو طرف ایجاد کرده است. این نگرانی‌ها از قبل از انقلاب ایران در سال ۵۷ هم وجود داشت و روابط دو طرف را با چالش روبه‌رو کرده بود. درست است که این تفاوت‌ها به تنهایی عامل نگرانی نیستند اما زمانی که دو کشور یعنی شیعه با عربستان وهابی که هر دو داعیه رهبری جهان اسلام را دارند به همین مسأله اضافه کنیم متوجه می‌شویم که اینها عوامل مهمی هستند که در روابط دو کشور تأثیر گذارند (Mosa Nafe,2010:9; Mohammadinijeh,2020,267)

۴. **تضاد دیدگاه نسبت به دفاع از مسلمانان و نهضت‌های آزادی‌بخش:** اصل ۱۵۴ قانون اساسی ایران تشریح می‌کند " جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. همین عامل نگرانی و تعارض با عربستان را فراهم کرده است. جمهوری اسلامی ایران بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از نهضت‌های آزادی‌بخش و جنبش‌های شیعه محور عرب خلیج فارس حمایت کرده است (Jahanara,2019:108). در نتیجه همین عوامل شورای همکاری خلیج فارس در جنگ تحمیلی از عراق حمایت کردند. عربستان نیز با توجه به اقدامات جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد بر اقلیت‌های مذهبی ایران نفوذ کرده و جریان‌سازی کند. نگاه دو کشور نسبت به حمایت از گروه‌های آزادی‌بخش متفاوت است. عربستان معتقد است باید از نهضت‌های آزادی‌بخش مسلمانان در سایر کشورهای غیرمسلمان حمایت شود نه کشورهایی که مسلمان هستند. اما ایران معتقد است این حمایت‌ها باید تمام اصلاح‌طلبان در کشورهای مختلف را شامل شود که درصدد تغییر هستند (Lotfi,2015:122). در نتیجه یکی از اهداف اساسی عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس مقابله با انقلاب اسلامی ایران است. جایی که جمهوری اسلامی ایران درصدد حمایت از شیعیان آنجاست این همان مسأله‌ای است که کشورهای عربی از آن می‌ترسند و نظام‌های خود را در معرض خطر می‌بینند. عربستان در همین راستا نهضت‌ها و جنبش‌های جهان عرب را کنترل

کرده و شروع به حمایت از آنها کرده است (Matthiesen, 2015: 156). ایران بر نوعی اسلام ضد غربی تأکید دارد و از جنبش‌هایی که علیه آنها فعالیت می‌کنند حمایت می‌کند. اما عربستان سعی در کنترل آنها دارد و طرفدار وضع موجود است. اما با همسایه‌ای رو به رو شده که انقلابی و خواهان تغییر وضع موجود است و تلاش دارد با استفاده از این ابزار مقابل دولت‌های محافظه کار بایستد (Sadrolhoseini, 2013: 110).

- اختلاف نظر درباره مسئله فلسطین: جنگ دوم خلیج فارس و حمله ایالات متحده آمریکا به عراق و در نتیجه خروج نیروهای عراقی از کویت باعث شد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مخصوصاً عربستان خود را مدیون ایالات متحده دانستند در نتیجه اعلام کردند آماده همکاری و ایجاد رابطه با اسرائیل و آمریکا هستند (Sadeghiaval and eshratabad, 2015: 108).

کشورهای حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی کمک‌های اقتصادی را در روند صلح در فلسطین و تشکیل حکومت خودگردان اعلام کردند. اما تمام این کمک‌ها عقیم ماند و در عمل اجرایی نشد. عربستان نسبت به شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی همیشه معترض بوده است. تصور آنها این بود که ایالات متحده یک داور صادق و بی طرف است. اما آمریکایی‌ها در فرایند مذاکرات بی طرف نماندند و از اسرائیل حمایت کردند. عربستان همواره بیت‌المقدس را به عنوان پایتخت رژیم اشغالگر قدس قبول نداشته و مخالف آن بوده است (Herzgidias, 2015: 5). اما توافقنامه‌هایی هم بوده که از آن حمایت کرده است. در سال ۱۳۸۴، انتخابات اعضای شورای قانون‌گذاری فلسطین برگزار شد و در آن حماس پیروز شد و جنبش فتح شکست خورد. حماس و جمهوری اسلامی ایران مواضعشان در مقابل رژیم اشغالگر قدس شبیه هم است. در نتیجه این انتخابات دو طرف (حماس و جمهوری اسلامی ایران) شروع به گسترش همکاری کردند. این همکاری باعث افزایش نگرانی‌های عربستان سعودی گردید. در واقع عربستان از تشکیلات خودگردان و ایران از حماس و دیگر گروه‌های جهادی فلسطین حمایت می‌کند. دفاع از فلسطین و آرمان‌هایش و دشمنی با اسرائیل یک فرض بدیهی در سیاست خارجی ایران است (Adami, 2019: 193). حمایت عربستان از تشکیلات خودگردان فلسطین در کنار حمایت ایران از حماس و دیگر گروه‌های جهادی فلسطین، جبهه‌گیری آشکار ایران و

عربستان را در موضع فلسطین آشکار می‌کند. از نظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از آرمان ملت فلسطین و سازش‌ناپذیری در برابر رژیم اسرائیل یک فرض بدیهی در سیاست خارجی است. از دید بسیاری از پژوهشگران دخالت عربستان برای حل و فصل بحران در تشکیلات فلسطینی نشان از تلاش آن دولت برای رویارویی با افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران دارد و عربستان می‌خواهد از راه مشارکت در حل بحران‌های خاورمیانه جایگاه منطقه‌ای خود را باز یابد. اما در دهه اخیر بالأخص در دوره محمد بن سلمان مورد تغییرات عمده‌ای واقع گردیده است. به طور کلی رفتار سیاست خارجی هر بازیگری با توجه به نقش عوامل گوناگون شکل می‌گیرد و بدلیل اینکه همواره رویکرد عربستان سعودی به عنوان بازیگر مؤثر در جهان اسلام، در چگونگی روند این پرونده مؤثر بوده است؛ از یک سو تحولات محیط داخلی عربستان به ویژه نقش رهبر جدید و ویژگی‌های شخصیتی وی و از سوی دیگر عوامل خارجی همچون همکاری‌های استراتژیک با ایالات متحده، تنش‌های منطقه‌ای از جمله رقابت با جمهوری اسلامی ایران، ناکامی در بحران یمن و ایجاد موازنه قوا به عنوان مؤثرترین عوامل تغییر رفتار سیاست خارجی عربستان در قبال پرونده فلسطین مشخص شده‌اند. بن سلمان در سیاست خارجی عربستان اثبات کرد که وی مسئله فلسطین را نادیده گرفته و به نوعی سیاست انفعالی نسبت به این قضیه در پیش گرفته است و در پرتو این رفتار عربستان، دیگر کشورهای عربی نیز به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل گام برداشته‌اند.

- اختلاف نظر درباره حزب‌الله لبنان: لبنان سرزمینی است که همیشه مطمع نظر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است (Zolghadr and Nzari, 2016: 127). از مهمترین تحولات چند دهه اخیر می‌توان به ترور رفیق حریری نخست‌وزیر سابق در فوریه ۲۰۰۵، دخالت‌های شورای امنیت سازمان ملل و تصویب قطعنامه ۱۵۵۹ و درگیری میان رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان موسوم به جنگ ۳۳ روزه در تابستان سال ۲۰۰۶ اشاره کرد که همه نشان از حضور پر رنگ کشورهای خارجی و سوء استفاده از لبنان جهت رقابت در زمین آنها دارد. دو گروه ۱۴ و ۸ مارس بازیگران اصلی در سیاست لبنان هستند. ۱۴ مارس شامل حزب المستقبل، سمیر جعجع، امین جمیل و حزب سوسیالیست ترقی خواه اولیه است و گروه ۸ مارس که از حزب‌الله، جنبش

شیعی امل تشکیل شده است. حزب الله یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب ایران است و در مقابل گروه ۱۴ مارس ایستاده است. ۱۴ مارس که از حمایت معنوی و مالی عربستان سعودی تغذیه می شود (Shafei and Moradi, 2009:44). لبنان عرصه رقابت منطقه‌ای است تا دو کشور ایران و عربستان سعودی علاوه بر گسترش نفوذ خود از قدرت حریف بکاهند و هم مرزی لبنان با اسرائیل بر اهمیت این کشور افزوده است. در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل تلاش کرد حزب الله را از میان بردارد. اما بر خلاف پیش‌بینی‌ها موفق نشد. عربستان که از حضور و قدرت داشتن شیعیان در لبنان بیم دارد امید داشت که با شکست حزب الله قدرت شیعیان لبنان کم شود و آنها از صحنه قدرت کنار بروند. آن‌ها در جنگ ۳۳ روزه، ربودن دو سرباز اسرائیلی را محکوم کردند. در آن زمان کشورهای عربی از حزب الله حمایت می کردند اما عربستان از رژیم اشغالگر قدس حمایت کرد. در واقع با جانب‌داری از اسرائیل درصدد مقابله با ایران بود. شکست در جنگ ۳۳ روزه به اعتبار ایران و حزب الله افزود و ایران اعتبار منطقه‌ای کسب کرد. این پیروزی باعث شادی بسیاری از اعراب شیعه و سنی شد. اما این پیروزی نگرانی‌های طرف عربستانی را تشدید کرد (Anousheh, 2010: 144-145).

۲-۲-۴. نگرانی‌های سیاسی - امنیتی

۱. تضاد و تفاوت در ساختارهای امنیتی منطقه: دیدگاه دو کشور نسبت به مسائل امنیتی کاملاً متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران امنیت را در درون منطقه و بدون حضور بازیگران خارجی دنبال می کند اما عربستان سعودی نگاهی کاملاً متفاوت دارد و امنیت منطقه‌ای را بر اساس پیمان با ایالات متحده و قدرت‌های فرامنطقه‌ای تعریف کرده است. ایران معتقد است کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایران باید با هم متحد و پیمان‌های امنیتی داشته باشند. مسأله‌ای که کشورهای حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی نگاهی کاملاً متفاوت دارند. عربستان از اوایل دهه ۹۰ میلادی خواستار حضور نیروهای آمریکایی در منطقه بود تا هم نیروهای عراقی را از کویت بیرون برانند و هم امنیت بخش نفت خود را تأمین کند. در نتیجه از آن زمان به بعد روابط امنیتی خود را با غربی‌ها مخصوصاً ایالات متحده استحکام بخشیده است (Ramel and et al, 2004:11) امنیت منطقه‌ای از عراق تا مرز یمن توسط ایالات متحده تأمین می‌شود. اما ایران

معتقد است که امنیت منطقه باید توسط بازیگران منطقه‌ای تأمین شود و بارها خواسته خود را که همانا تشکیل سیستم تأمین امنیت دسته جمعی است مطرح کرده است.

۲. تضاد و تفاوت در ساختارهای سیاسی - امنیتی منطقه: به لحاظ ساختار سیاسی هم دو کشور متفاوت هستند. حکومت شاه ایران رژیم شبیه رژیم‌های عرب منطقه مخصوصاً عربستان داشت. رژیمی که پادشاهی، طرفدار غرب و محافظه‌کار بود و سقوط کرد. بعد از سقوط شاه ایران حکومت جمهوری اسلامی ایران که نقطه مقابل رژیم پادشاهی بود روی کار آمد که درصدد تغییر و صدور انقلاب خود به کشورهای منطقه بود. لذا کشورهای پادشاهی که عموماً محافظه‌کار هستند درصدد حفظ وضع موجود هستند و تمایلی به تغییرات ندارند. در نتیجه این وضعیت روابط دو کشور همیشه حالت سینوسی داشته و در تلاطم بوده و گاهی هم به قطع کامل روابط دیپلماتیک منجر شده است (Salehi, 2020: 178).

۳. تضاد دیدگاه نسبت به ارتباط با رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا: عربستان سعودی همیشه آمریکا را متحدی قوی و تضمین‌کننده امنیت خود می‌داند و یکی از اصول سیاست خارجی‌اش داشتن روابط حسنه با ایالات متحده آمریکا است چرا که تضمین‌کننده امنیت نفت (مخصوصاً شرکت آرامکو) است. این اتحاد از دهه ۱۹۷۰ شروع شد و این رابطه باعث شده که این کشور همیشه خود را در عرصه خارجی میانه رو و معتدل نشان دهد (Rostami and Karimi, 2018: 265) در صورتیکه در داخل نگاهی متفاوت را دنبال می‌کند. کشورهای غربی از مسائل مهم حقوق بشری، تربیت تروریست و ... عربستان همیشه چشم‌پوشی کرده‌اند چرا که به آن به عنوان منافع سوددهی نگاه می‌کنند. در سال‌های اخیر تغییر رویکرد داده و روابطش را با اسرائیل بهبود بخشیده است (Mabon, 2013: 75-76). اما جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را رژیمی غاصب و جعلی می‌شمارد که سرزمین‌های اشغالی را تصرف کرده و سعی در نابودی آن دارد. همچنین، بعد از انقلاب اسلامی سال ۵۷ روابطش با ایالات متحده قطع و آن را دشمن خود می‌شمارد. از آن به عنوان استکبار جهانی نام می‌برد که درصدد چپاول ملت‌هاست. این نوع نگاه ایران و روابط تنگاتنگ عربستان با رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده نگرانی‌های فراوانی را برای ایران ایجاد کرده است (Rostami and Karimi, 2018: 265).

۴. حفظ وضع موجود - انقلابی‌گری: پس از تحولات موسوم به بهار عربی و رسیدن موج آن به عربستان، این کشور بشدت احساس خطر کرد و نسبت به آن واکنش تندی نشان داد. به همین علت از کشورهایی که درگیر این تحولات بودند حمایت کرد. در واقع عربستان دنبال ثبات و طرفدار وضع موجود بود. چراکه رسیدن بهار عربی باعث به خطر افتادن حکومت خاندان آل سعود در عربستان می‌شد. اما جمهوری اسلامی ایران پس از سال ۱۳۵۷ همواره تلاش کرد تا انقلاب خود را صادر کند به همین علت از نهضت‌های آزادی بخش دفاع کرده است. حمایت از گروه‌های آزادی بخش یمن (حوثی‌ها) یا آزادی‌خواهان بحرین. البته دو کشور در سوریه کاملاً متفاوت عمل کرده‌اند. بطور مثال ایران در سوریه از حکومت بشار اسد در مقابل انقلاب حمایت و عربستان در سوریه از انقلاب حمایت کرد. نگرانی دو کشور در همین رویه انقلابی‌گری و طرفداری از وضع موجود است (Mabon, 2013:97). با توجه به تحولات تاریخی در خاورمیانه و همان‌گونه که نویسنده به درستی در بالا بدان اشاره کرده‌اند، رقابت دو کشور در زمینه حفظ و یا تغییر وضع موجود از وقوع انقلاب اسلامی در ایران وجود داشته است.

۵. مسأله هسته‌ای ایران: عربستان همواره از دریچه شورای همکاری خلیج فارس مواضع خود را مطرح کرده است. اما در ماه‌های اخیر چندین بار هم بصورت انفرادی و در قالب بررسی روابط خود با ایران اعلام موضع‌گیری کرده است. سیاست خارجی عربستان سعودی همواره در راستای سیاست خارجی ایالات متحده تعریف می‌شود (Nader, 2015:7). ما در برخی موارد شواهدی وجود دارد که سیاست خارجی عربستان در بسیاری حوزه‌ها و موضوعات در جهت خلاف سیاست و منافع آمریکا در منطقه قرار داشته است، برای مثال در مسأله هسته‌ای نیز عربستان مخالف سرسخت امضای برجام توسط آمریکا بود. در حال حاضر نیز این کشور از مخالفان اصلی بازگشت آمریکا به برجام است. در مورد برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای هم موضعی در راستای سیاست خارجی ایالات متحده در پیش گرفته بود. این کشور همیشه از ایران به عنوان همسایه‌ای که در صدد نفوذ و افزایش قدرت منطقه‌ای است یاد کرده و ایران را رقیب جدی خود در منطقه می‌شناسد. انرژی هسته‌ای باعث ارتقاء جایگاه ایران خواهد شد. در نتیجه عربستان همیشه در مواضع خود با برنامه هسته‌ای ایران مخالف بوده و هست. عربستانی‌ها همواره از ایالات متحده

درخواست کرده‌اند تا مقابل آنچه آنها آن را ماجراجویی ایرانی می‌خوانند بایستند. دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای (ادعاهای غربی علیه برنامه صلح‌آمیز ایران) توازن منطقه را بر هم خواهد زد. عربستان نسبت به موضوع هسته‌ای ایران دو نگرانی دارد. نگرانی زیست محیطی و نگرانی امنیتی. در واقع با توجه به تجزیه و تحلیل آنها ایران در صدد دستیابی به سلاح اتمی است و این موضوع توازن منطقه‌ای را بر هم خواهد زد و ایران دست بالاتری در سوریه، یمن، فلسطین و... خواهد داشت. اما به لحاظ زیست محیطی این ترس در تمام کشورهای خلیج فارس وجود دارد که در صورت بروز هر گونه مشکلی آنها دچار بحران خواهند شد (Kerr, 2015:9). عربستان نیروگاه بوشهر را ناامن جلوه می‌دهد تا در کشورهای منطقه حساسیت ایجاد کند حساسیتی که باعث رعب وحشت شده است. القای این موضوع که با راه‌اندازی نیروگاه بوشهر انفجاری ایجاد خواهد شد و میلیون‌ها نفر به مواد رادیواکتیو آلوده خواهند شد و جانشان در خطر است. همیشه در دستور کار تیم عربستانی است (Dillo, 2015:64). عربستان از این موضوع احساس خطر کرد. چرا که نزدیکی به ایالات متحده باعث قدرت مانور آنها در منطقه می‌شد. در مقابل ادعاهای مقامات عربستان، مقامات ایران معتقدند مخالفت‌های مقامات عربستان سعودی نه به خاطر نگرانی‌های زیست محیطی بلکه ترس مقامات سعودی از افزایش قدرت شیعیان در منطقه خاورمیانه و طرح مواردی همچون هلال شیعی است. ایران‌هراسی، غیر صلح‌آمیز بودن مسئله هسته‌ای ایران، مسئله حقوق بشر و اتهام ترور سفیر عربستان در آمریکا به ایران، در راستای نگرانی‌های خاندان آل سعود از قدرت‌یابی ایران در منطقه است. البته جمهوری اسلامی ایران موضوع هسته‌ای را صرفاً ابزاری بعنوان برگ برنده در مذاکرات ۱+۵ و رفع تحریم‌های آنها مورد استفاده قرار می‌دهد. این موضوع کاملاً برای کشورهای دیگر قابل درک است. اما برای عربستان، مهم‌ترین نگرانی عربستان در رابطه با برجام، پذیرش حق غنی‌سازی ایران و افزایش احتمال دستیابی ایران به بمب هسته‌ای و تغییر معادلات استراتژیک در سطح منطقه است. این مسأله را به عنوان ابزاری جهت رویارویی و رقابت علیه ایران استفاده می‌کند. منابع اصلی اصطکاک دو کشور ریشه در نگرانی‌های ملی، سیاسی، مذهبی، اقتصادی و نظامی دارد. رقابت کنونی عربستان سعودی و ایران در منطقه اصلی مناقشه شامل حمایت ایران از گروه‌های نیابتی در درگیری‌های

خاورمیانه (عمدتاً در عراق و سوریه و ظاهراً در یمن و بحرین) است. ایران به طور غیرمستقیم در سوریه، یمن و بحرین علیه عربستان سعودی می‌جنگد. اگرچه حمایت عربستان از گروه‌های نیابتی به اندازه حمایت ایران نیست اما با این حال از گروه‌های مورد حمایت خود حمایت‌های مالی و نظامی زیادی انجام داد، اما با این وجود تنش‌ها بین دو کشور را تشدید می‌کند. عربستان سعودی جایگاه محکمی در عراق ندارد. در مواردی در امور عراق مداخله کرده و به ایران برای حمایت از شبه‌نظامیان شیعه که فعالانه با او (گروه‌های تندرو وهابی و سلفی که دست به کشتار مردم بی‌گناه می‌زنند) می‌جنگند اعتراض کرده است (Mohammadinijeh, 2020, 274).

۵. نتیجه‌گیری

منابع نگرانی ایران و عربستان ریشه در تضادهای هویتی، سیاسی - امنیتی دارد که باعث ایجاد رقابت بین دو طرف شده است. رقابت بین عربستان سعودی و ایران عمدتاً، اما نه منحصرأً، ماهیت ژئوپلیتیکی دارد. یک بعد فرقه‌ای واضح نیز به تشدید درگیری کمک می‌کند. عوامل داخلی در هر کشور نیز نقش بسزایی دارند اما دلیل اصلی این رقابت معمولاً محیط خارجی و رقابت نیابتی است. زمانی که محیط منطقه‌ای آرام و رقابت کم می‌شود دو طرف به تضادها اجازه پررنگ شدن و در نتیجه ایجاد تنش نمی‌دهند. این تضادها معمولاً به عنوان ابزاری برای رقابت خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. رقابت حاصله خطرات محسوسی را ایجاد می‌کند که می‌تواند در آینده افزایش یابد. این خطرات شامل اثرات سرریز (مانند مهاجرت و تروریسم)، تشدید تنش‌ها و درگیری‌های خشونت‌آمیز در خاورمیانه (که توسط رقابت تشدید شده)، فشار برای توسعه سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دوربرد، افزایش نوسانات در بازار جهانی نفت می‌باشد که این موارد همه باعث نگرانی دو کشور از فعالیت‌های طرف دیگر می‌شود. دو کشور باید راه‌هایی را برای کاهش تنش، اگر نه حل و فصل، از طریق ابتکارات هوشمند در مناطق فوری اصطکاک (مانند یمن و عراق، سوریه، بحرین) پیدا کنند. بسترهایی که ممکن است باعث اصطکاک و درگیری نظامی شود. این ابتکارات می‌تواند شامل اقدامات اعتمادساز و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه تجارت، توسعه اقتصادی و نگرانی‌های زیست‌محیطی باشد. تنش بین عربستان سعودی و ایران می‌تواند تبدیل به رقابت و در نهایت همکاری شود به عنوان

مثال بازسازی سوریه، یمن و ... از بهترین فرصت‌هایی است که می‌تواند زمینه همکاری دو کشور را فراهم کند از تنش‌های منطقه‌ای بکاهد و در نتیجه ثبات در منطقه را افزایش دهند. منطقه به یک نظم پایدار نیازمند است و این نظم به روابط ایران و عربستان گره خورده است. تلاش‌های پیشگیرانه‌ای که می‌تواند راه‌های جدید و بالقوه خطرناک رقابت را به حداقل برساند و به طور گسترده‌تر، ثبات را در منطقه خلیج فارس ارتقا دهد، شامل:

- ارائه انگیزه‌های مثبت برای تشویق رفتار مسئولانه ایران، به ویژه با توجه به حمایت این کشور از حزب‌الله لبنان و رژیم بشار اسد در سوریه و همچنین دست برداشتن عربستان سعودی از جریان‌های تکفیری و سلفی
- پیشرفت و از سرگیری مذاکرات صلح در یمن. اگرچه ایران و عربستان سعودی در حال حاضر در روند مذاکرات صلح و کاهش تنش هستند، اما این تلاش‌ها برای کاهش تنش کافی نیست.
- تشویق به قوانین بین‌المللی برای تعدیل تعاملات بالقوه خطرناک عربستان سعودی و ایران در فعالیت‌های نظامی هوایی و دریایی، توسعه موشک‌های بالستیک، مداخله سایبری، جنگ سیاسی و اطلاعاتی، و رویدادهای مذهبی مانند مراسم حج.
- ترویج نهادسازی و فعالیت‌های مشارکتی منطقه‌ای در زمینه‌های مورد توجه مشترک، مانند مدیریت منابع، تخریب محیط‌زیست، و توسعه زیرساخت‌های منطقه‌ای.
- مشارکت و حضور بازیگران مهم بین‌المللی به عنوان مثال، سازمان ملل متحد، و همچنین قدرت‌های بزرگی که علاقه فزاینده به منطقه خلیج فارس دارند، مانند تشویق چین و هند تا در ایجاد ثبات در منطقه مشارکت کنند.

References

1. AbdallKhani, A (2017). Theories of Security, Tehran, Abrar Contemporary Publications. **[In Persian]**
2. Adami, A (2019). Israel and Saudi Arabia: new age of bilateral cooperation, Strategic policy research Quaterly, No72. **[In Persian]**
3. Afzali, R; Mirzadeh Kooohshahi, M; Mahmoodi, A (2021). A Geopolitical Approach Toward Deficit and Non- Growth of Democracy in The Middle East [Case Study: Iran and Saudi Arabi], Geopolitics Quarterly, Volume: 16, No 4.
4. Akhavankazemi, B (1993). Iran and Saudi Arabia's Relationships in the two recent deacades, Tehran: Islamic Printing and Propaganda Center. **[In Persian]**
5. Altman, J (2015). Yemen's Misery, Washington DC: Center for Strategic and International Studies.
6. Anousheh, E (2010). The 33-day Lebanon war and its players, Shahreza Islamic Azad University Quaterly, No1. **[In Persian]**
7. Barzegar, K; Qavam, A; Zakerian, M; Mousavi, S.H (2019). Recent evolutions in the Arab world, the balance of power and New regional groupings
8. Brzezinski, Z; Mearsheimer, J.J (2005). Clash of the Titans, Foreign Policy 146(January/February).
9. Cordesman, A (2020). Americans Failed Strategy in the Middle East: Losing Iraq and the Gulf, Policy Report, No. 14.
10. Dehghani firozabadi, S.J; Farazi, M (2013). Islamic Awakening and Iran's national security interest, Islamic Revolutionary Quaterly, No4. **[In Persian]**
11. Dillow, C (2015). Iran Nuclear Deal Could Prompt Regional Arms Race, Fortune, July 17, 2015, accessed August 3, <http://fortune.com/2015/07/17/iran-nuclear-deal-arms>.
12. Emamjomeh zadeh, S.J; Dorj, H (2018). Analysis of Saudi Arabia's approach to developments in Syria, Political and International Approaches, No4. **[In Persian]**
13. Farmanian, M (2017). Salafism from past to now, University of Religious and religion press. **[In Persian]**
14. Feirahi, D (2013). Religion and Government in the modern age, published by Rokhdad. **[In Persian]**
15. Glaser L, Ch (2010). Rational Theory of International Politics: The Logic of Competition and Cooperation, published by Princeton University press.
16. Gwenn, O (2003). Saudi Arabian_ Iranian relations: external rapprochement and internal consolidation, Middle East Policy, volX, No2.
17. Herzogideas, M (2015). Contextualizing Israeli Concerns about the Iran Nuclear Deal, The Washington Institute for Near East Policy, June, No. 26 http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR300/RR310/RAND
18. Hunter, Sh (2013). Sunni-Shia Tensions Are More about Politics, Power, and Privilege than Theology. George Town University, School of Foreign Service

- [https://acmcu.georgetown.edu/sunni-shia-tensions.in the Middle East, Geopolitics Quarterly, Volume: 14, No 3. \[In Persian\]](https://acmcu.georgetown.edu/sunni-shia-tensions.in%20the%20Middle%20East,%20Geopolitics%20Quarterly,%20Volume%2014,%20No%203)
19. Jack S (1991). *Myths of Empire: Domestic Politics and International Ambition*. Ithaca, published by Cornell University Press.
 20. Jahanara, H (2019). Saudi Arabia's security strategies in the Persian gulf, *International journal of research*, No37. [In Persian]
 21. Kamrava, M (2011). *The Arab Spring and the Saudi-Led Counterrevolution*, Published by Elsevier Limited on behalf of Foreign Policy Research Institute, available at: <http://www18.georgetown.edu/data/people/mk556/publication-61403.pdf>
 22. Karami, K (2012). Arab spring and Saudi Arabia: Effect and reactions, *Middle East Studies*, No66. [In Persian]
 23. Katzman, k (2015). Iran's Foreign Policy, Congressional Research Service 7-57000 [www.crs.gov,R44017](http://www.crs.gov/R44017).
 24. Kerr, S (2015). Gulf States Publically Praise, Privately Fear Iran Nuclear Deal, *Financial Times*, July15.
 25. Keshavarz, H (2014). Analysis of the united states behavioral patterns on Iran's nuclear program, Tehran: *Argument Analytical Base*. [In Persian]
 26. Lotfi, A (2015). Religious principles and foundations of supporting liberation movements in the world with an approach to the views of Imam Khomeini, *political thought quarterly*, No2.
 27. Madani, M; Howasi, H (2015). Saudi Arabia's foreign policy behavior towards Egypt and Bahrain after Arab revolution, *Islamic Revolutionary Studies Quaterly*, ni39. [In Persian]
 28. Mahdian, H; Aghahosseini, A; Alihosseini, A (2017). Analysis of Saudi Arabia's militant foreign policy against Iran in the frame work of the theory of offensive realism, *quarterly Journal of defense strategy*.
 29. Mansori, M (2014). Components of identity and its impact on Saudi Arabia's foreign policy toward the Islamic republic of Iran, *parliament and strategic Quarterly*, No4. [In Persian]
 30. Matthiesen, T (2015). *The Domestic Sources of Saudi Foreign policy: Islamists and the State in Wake of the Arab Uprisings*, *Brooking institute*.
 31. Mearsheimer, J (2009). Reckless States and Realism, in *International Relations*, Vol. 23
 32. Mearsheimer, J; Walt, S (2013). *Leaving theory behind: Why simplistic hypothesis*
 33. Mohammadinijeh, A; Bakhshayesh Ardestani, A (2010). *Iran foreign Relations in the world system*, published by Pelican. [In Persian]
 34. Mohammadinijeh, A (2020). *The role of Wahhabism in advancing Saudi Arabia foreign policy*, published by Middle East Strategic Studies Research Institute.
 35. Mosa Nafe, B (2013). *Islamists*, translate by seyed ghasem zakeri, published by Ministry of foreign affairs. [In Persian]
 36. Moshirzadeh, H (2010). *Evolution in theories of international relations*, published by Samt. [In Persian]

- 37.Mottaghi, A (2015). Analysis of Incompatible Areas in Iran-Saudi relations based on constructive Theory, Quarterly Journal of Strategic Research, No12. **[In Persian]**
- 38.Nader, A (2015). National Security Research Division, Iran after the Bomb: How Would a Nuclear-Armed Tehran Behave? RAND, 2013, accessed June 3, 2015,
- 39.Noormohammadi, M; Seifi, A (2020). cultural foundation of the Iran _ Saudi Arabia Conflict, Geopolitics Quarterly, Volume: 15, No 4.
- 40.Rabiei, A (2014). National Security in the Third World, Tehran, Smit. **[In Persian]**
- 41.Ramel, A; and others, (2004). New Persian gulf security system, Military- strategic reports and analysis, No3. Relations, Vol. 19, No 3. **[In Persian]**
- 42.Rostami, F; Karimi, H (2018). Explain the Causes of divergence in the united states and Saudi Arabia 2010-2016, Research strategic policy Quterly, No3. **[In Persian]**
- 43.Sadeghiaval, H; eshratabad, J (2015). Iran relations in the regional fortress of the persian gulf cooperation council, Journal of world politics, No4. **[In Persian]**
- 44.Sadrolhoseini, S.R (2013). Islamic revolution, emergence of Islamic or managerial awakening outside the region, Hablol Matin Quarterly, No1. . **[In Persian]**
- 45.Saeedi, A; Alikhani, M (2014). Investigating cycle of conflict in the relations between Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia with emphasis on the period 2006-2014, Political science Quaterly, no2. **[In Persian]**
- 46.Salehi, S.J (2020). politic identity and security in the Persian gulf, published by Middle East Strategic Studies Research Institute. **[In Persian]**
- 47.Shafei, N; Ahmad, M (2009). The impact of the 33-day Lebanon war on Iran's regional situation, Shahreza Islamic Azad University Quaterly, No1. **[In Persian]**
- 48.Simon, M (2013). Saudi Arabia and Iran Soft Power Rivalry in the Middle East, London: I.B. Tauris. Testing is bad for International Relations, in European Journal of International.
- 49.Waltz, K (1995). The Emerging Structure of International Politics, in Sean M. Lynn-Jones, Michael E. Brown and Steven E. Miller, eds, The Perils of Anarchy: Contemporary Realism and International Security, Cambridge, MA: MIT Press.
- 50.Zolghadr, M; Nzari, V (2016). A study of Iran-Lebanon relations after Iran's revolution, Political and international research Quaterly, No24. **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

